

اینجا بود که یک جور ارتباط فکری بین ما شکل گرفت و عمیق تر شد. شاید ریشه‌های ادبی به دلیل نگاه من در اثر و انتخاب موضوعش منعکس شده‌ اما موارد دیگر را نمی‌توانم بگویم که حاصل نگاه من بوده یا آقای کلاهی، خصوصا که آن نقش‌ها هم در کار دخیل بود و نمی‌توان گفت که ایشان فقط یک شاعر است.

● همین نقاشی‌هایی که صحبتش شد، از این نظر برای مخاطب تازگی دارند که انکار فرم اثر یا آن‌ها معنی پیدا می‌کند و ما شاهد یک جور انسجام در مستند هستیم که در زیرنویس کردن عنوان مصاحبه‌شوندگان هم به چشم می‌خورد. به نظر شما این فرم به‌درآمدن شماایل یک شاعر، با استعاره غول، منجر شده‌است؟

این موضوع را از دو نظر می‌توان بررسی کرد. از نظر من، این فرم در آمده، ولی از سوی دیگر، باید ارتباط مخاطب با اثر هم لحاظ شود. برای من، به عنوان کارگردان، انیمیشن‌ها یک جور زمینه فکری و ریشه هستند که به نظم آقای کلاهی در شعرش به آن‌ها بازی می‌گردد. یعنی آبشخور شعرهای ایشان در گذشته‌ است و من سعی کرده‌ام این گذشته را در نقش‌ها، به عنوان زیرلایه کار، قرار دهم. به همین دلیل نمایش آن نقش‌ها زیاد طولانی نیست و در حدود ۶ دقیقه‌ است. عمدا نمی‌خواستیم بیشتر باشد. به طور خاص، من فکر می‌کردم که برخی از ریشه‌های شعر آقای کلاهی در گذشته ایشان و ارتباط تربیتی با مادرشان است، بنابراین سعی کردم این‌ها را در نقاشی‌ها نشان دهم.

● در بریش‌هایی از مستند به نظر می‌رسد که دوربین بنا دارد چشم شخصیت و روایتگر اول شخص آقای کلاهی باشد. مواردی مثل گردش در طبیعت یا سینما یا حتی دو چرخه سواری. روایت مستند، نگاه شما را بازنمایی می‌کند یا نگاه شخصیت را و یا اصلا نماینده نقطه نظر مصاحبه‌شوندگان است؟

من فکر می‌کنم روایت و زاویه دید متعلق به من است و اصلا سیمیم بر همین بوده؛ اما زبان فیلم به آقای کلاهی مربوط است. در واقع، چشم‌چشم من است، اما زبان و شیوه بیانش متعلق به آقای کلاهی است.

● به همین دلیل است که تا حوالی دقیقه ۲۰ سخنی جز صحبت‌های خود شخصیت در مستند وجود ندارد؟
بله، فکر می‌کنم همین است. در صحبت‌های مداومی که با آقای قارداش پور به عنوان تهیه‌کننده هم داشتیم، هدف همین بود.

● در مجموع ما با اثری شاعرانه در باره یک هنرمند طرفیم اما در بخش‌هایی از اثر، لحن کار شکل نقد به خود می‌گیرد. به نظر شما این باعث دوگانگی در کار نشده‌است؟

در وهله اول و به طور خاص در تدوین، من سعی داشتم چگونگی شکل گرفتن جهان یک شاعر را به تصویر بکنم؛ یعنی شکل فکر کردنش را. اما در گام دوم من خودم هم نقدهایی به این شخصیت داشتم که سعی داشتم بی‌طرفانه به آن‌ها بپردازم. این نقدها در قالب همان گفت‌وگوهایی که می‌گوئید خودشان را نشان می‌دهند. به هر حال این حرف‌ها، فارغ از میزان درستی یا نادرست بودنشان، مطرح شده‌اند و من فکر می‌کردم باید به آن‌ها هم بپردازم.

● در این مورد، ترکیب مصاحبه‌شوندگان به شکلی است که به نظر می‌رسد یادست شما برای مصاحبه گرفتن بسته بوده یا تعدا تصمیم گرفته‌اید که خودتان را در فضای مشهد نگه دارید. مثلا برخی از افرادی که در مورد آقای

کلاهی صحبت می‌کنند، ظاهرا فقط مشهدی بودن و ادبیاتی بودند نشان لحاظ شده و ممکن است برای صحبت کردن از آقای کلاهی چندان مناسب نباشند.

از نظر شهرت این افراد و نسبتشان با شعر آقای کلاهی، با حرف شما موافقم؛ اما در مجموع، به نظرم صحبت‌های مطرح شده موجه هستند و به تعبیری چفت‌وبست دارند. از سویی دیگر، گروهی از افراد هم تعمد داشتند که با شرکت نکردن در این گفت‌وگوها، به نوعی شعر کلاهی را انکار کنند. این در حالی است که به نظرم شعر کلاهی را نمی‌شود انکار کرد.

● ایده مرکزی و درخشان مستند، ایده غول است. جدای از اشاره به بزرگی و جایگاه آقای کلاهی، می‌شود بگوییم که پس‌زن فضای روشنفکری مدرن هم در شکل‌گیری این ایده و غول‌نماییین کلاهی دخیل بوده‌است؟
موافق نیستم. من فکر می‌کنم که آقای کلاهی یکی از مدرن‌ترین شرای ماست. بنابر بخشی از گفت‌وگو با آقای عبدالهی که در تدوین مستند نیامده، اولین شاخصه‌انسان مدرن این است که دیگران را هم به رسمیت بشناسد و به نظر من از این نظر آقای کلاهی بسیار مدرن است. از سوی دیگر اما، من فکر می‌کنم دوری از هیاهو یکی از مواردی است که این شخصیت را غول می‌کند.

پس می‌توان گفت که غول بودن کلاهی اهری به خاطر نثی نمایشگری‌های مرسوم از سویی اوست؟
دقیقا همین است.

● در دقایق پایانی فیلم، ما با سلوک خود آقای کلاهی همراه می‌شویم. آیا می‌توان گفت که این بخش به اندازه کافی پرداخت نشده‌است؟
نمی‌دانم؛ شاید به دلیل فقر من در این کار باشد اما به نظرم به قدری که لازم بوده، بیان شده‌ است.

● موسیقی متن مستند کج حجم است و مصاحبه‌ها، خیلی جاها، در سکوت پیش می‌رود. این اتفاق دلیل خاصی دارد؟

قبل از هر چیزی این را بگویم که موسیقی این کار اثر یکی از دوستان خوب من به نام آقای امیرحسین شورچه است که اخیرا هم آلبومی به نام «بادیات» بیرون داده‌ است. در مجموع، ما سعی داشتیم موسیقی این اثر یک جور سادگی داشته باشد و البته که یکی از دلایل ما برای این تصمیم هز پنده‌اش بود. اما تصمیم گرفتیم که این‌طور کار را پیش ببریم. شاید می‌شد موسیقی پروپیمان‌تری هم در اثر گنجاند اما من دوست داشتم این اتفاق مثل همان انیمیشن‌ها ساده ولی پرمحتوا باشد.

● در مورد شیوه‌اکران چه نظری دارید؟ ترجیح نمی‌دادید که فیلم، لاقدرش شهر مشهد، اکران سینمایی داشته باشد؟
قطعا اگر این اتفاق رخ می‌داد، خیلی خوب بود. ما حتی برای اکران هنر و تجربه هم اقدام کردیم؛ اما رد شد. با این حال، چه در داخل ایران و چه در خارج، پیشنهادهای زیادی داشتیم. ولی ما تصمیم گرفتیم که فیلممان در سایت هاشور اکران باشد. به نظر من هاشور سایت وزنی است که ارزش آثار مستند را می‌داند و برای فیلم‌سازان مستقل بسیار مناسب است. الان که فکر می‌کنم، شاید بد هم نشده؛ برا به دوران کرونا خوردیم.

اثر بعدی که از شما خواهیم دید، چه خواهد بود؟

در این مورد واقعا هنوز فکر نکرده‌ام من مدت زیادی درگیر ساخت مستند بودم. خودم بیشتر مایلم به فضای داستانی وارد شوم و فکر می‌کنم کار بعدی من داستانی خواهد بود اما هنوز برنامه مشخصی ندارم.

زندگی با سینما

قبل از هر چیزی این را بگویم که موسیقی این کار اثر یکی از دوستان خوب من به نام آقای امیرحسین شورچه است که اخیرا هم آلبومی به نام «بادیات» بیرون داده‌ است. در مجموع، ما سعی داشتیم موسیقی این اثر یک جور سادگی داشته باشد و البته که یکی از دلایل ما برای این تصمیم هز پنده‌اش بود. اما تصمیم گرفتیم که این‌طور کار را پیش ببریم. شاید می‌شد موسیقی پروپیمان‌تری هم در اثر گنجاند اما من دوست داشتم این اتفاق مثل همان انیمیشن‌ها ساده ولی پرمحتوا باشد.

● در مورد شیوه‌اکران چه نظری دارید؟ ترجیح نمی‌دادید که فیلم، لاقدرش شهر مشهد، اکران سینمایی داشته باشد؟
قطعا اگر این اتفاق رخ می‌داد، خیلی خوب بود. ما حتی برای اکران هنر و تجربه هم اقدام کردیم؛ اما رد شد. با این حال، چه در داخل ایران و چه در خارج، پیشنهادهای زیادی داشتیم. ولی ما تصمیم گرفتیم که فیلممان در سایت هاشور اکران باشد. به نظر من هاشور سایت وزنی است که ارزش آثار مستند را می‌داند و برای فیلم‌سازان مستقل بسیار مناسب است. الان که فکر می‌کنم، شاید بد هم نشده؛ برا به دوران کرونا خوردیم.

در این مورد واقعا هنوز فکر نکرده‌ام من مدت زیادی درگیر ساخت مستند بودم. خودم بیشتر مایلم به فضای داستانی وارد شوم و فکر می‌کنم کار بعدی من داستانی خواهد بود اما هنوز برنامه مشخصی ندارم.

نگاهی به فروش فیلم‌های اکران نوروزی

شروعی ناامیدکننده



شکیبا افخمی‌راد
SH.afkhami@shahraranews.ir

تومانی اکنون در رتبه دوم جدول فروش قرار دارد. این درحالی است که در نوروز ۹۸ فیلم اجتماعی «متری شیش‌ونیم» با فروش بیش از ۱۰ میلیارد تومانی در رتبه دوم جدول قرار گرفته بود.

● فیلم ناشناخته نوروز دررتبه سوم
فیلم کمدی موزیکال «تک‌خال» به کارگردانی مجید مافی و تهیه‌کنندگی حسین فرحیش که می‌توان گفت نامش بعد از مشخص شدن فیلم‌های اکران نوروزی برای اولین بار در رسانه‌ها منتشر شد رتبه سوم جدول فروش نوروز ۱۴۰۰ را از آن خود کرده‌است. در این فیلم که در سکوت کامل خبری ساخته شده بازیگرانی چون پوریا پورسرخ، سحر قریشی، شبنم قلی‌خانی، امیر کرلایی‌زاده و یوسف تیموری به ایفای نقش پرداخته‌اند. کمدی موزیکال «تک‌خال» از زمان آغاز اکرانش ۵هزارو ۲۸۷ مخاطب را با خود همراه کرده که فروش ۱۱۴ میلیون تومانی را برایش رقم زده‌است.

● شکست مسعود کیمیایی در گیشه
«خون‌شد» ساخته مسعود کیمیایی که در سی‌وهشتمین دوره جشنواره فیلم فجر رونمایی شد با جذب هزارو ۵۸۲مخاطب رتبه چهارم را در میان آثار نوروزی کسب کرده‌است. فروش این فیلم در کشور به ۵۰ میلیون تومان هم نمی‌رسد. براساس آمار سایت سمفا «خون‌شد» در ایام نوروز تنها ۳۷ میلیون تومان از نمایش در ۱۱۳ سالن از سینماهای کشور به دست آورده‌است. سعید آقاخانی، لیل زارع، سیامک صفری و نسرین مقانلو از جمله بازیگرانی هستند که در این اثر کیمیایی به ایفای نقش پرداخته‌اند.

● «۱۰ میلیون تومان فروش برای «لاله»
رتبه پنجم جدول فروش به فیلم «لاله» اختصاص دارد. اثری به کارگردانی اسدا...نیک‌نژاد و تهیه‌کنندگی پروانه پر تو و تورج منصوری که زندگی «لاله صدیق» یکی از قهرمان‌های اوتومیل‌رانی

ایران را روایت می‌کند. باتوجه به موضوع این فیلم و حواشی بسیار ساخت آن پیش‌بینی می‌شد «لاله»، اثری کنجکاو برانگیز برای مخاطبان باشد اما در نهایت در ایام نوروز تنها ۴۷۸ مخاطب برای دیدن ساخته‌اسدا...نیک‌نژاد راهی سینماها شدند. «لاله» در مجموع فروشی ۱۰ میلیون تومانی داشته‌است که رقمی قابل توجه برای فیلم‌های اکران نوروزی است. سارا امیری، سام قریبیان، ایرج نوذری، نیکو کریمی، میترا حجار، محمد صادقی، امیرعلی دانایی، همایون ارشادی، آریتا حاجیان و لیلیاوتادی از جمله بازیگرانی هستند که در «لاله» به ایفای نقش پرداخته‌اند.

● فروش خوب آثار دراکران آنلاین
اما در مقابل فروش ناامیدکننده سینماها فروش نسبتا خوب اکران آنلاین قرار دارد. آمار منتشر شده از فروش دو فیلم اکران آنلاین که پیش از این روی پرده سینماها رفته بودند، نشان می‌دهد که شاید اگر برنامه‌ریزی درست‌تری برای آثار سینمایی رخ می‌داد، براساس گزارش سینمادبلی فیلم «شنای پروانه» ساخته محمد کارت تنها در ۲۴ ساعت اول آغاز اکران آنلاینش به فروش یک میلیارد تومان و جذب بیش از ۲۰هزار مخاطب در دو سامانه نماوا و فیلمبو

رسیده‌است. آماری که می‌تواند سینماگران را به رونق گرفتن دوباره اکران آنلاین امیدوار کند. «دیدن این فیلم جرم است» به کارگردانی رضا پناهچیان نیز که از اسفند در پلتفرم‌های مختلف به نمایش درآمده فروشش را به‌بیش از یک میلیارد تومان رسانده‌است. از دیگر آثار اکران آنلاین می‌توان به «پیشی میشی»، «بعد از تو»، «زیر نور کم» و «آقای سانسور» اشاره کرد.

روایت نوجوانی سعید تشکری در «وسنی»

● «وسنی»
نخستین رمان نوجوانی سعید تشکری، نویسنده و مدرس داستان مشهدی از سوی نشر ستاره‌ها منتشر شد. انتشارات ستاره‌ها با اعلام این خبر در فضای مجازی خود نوشت که «**وسنی**» نخستین پرده از زندگی سعید

تشکری به قلم خودش است. کتابی که می‌توان با آن، بوی خاک خیس خورده در کوچه‌های قدیم مشهد را استشمام کرد. همچنین مطرح شده این کتاب نخستین همکاری این نویسنده پرکار مشهدی با انتشارات ستاره‌هاست و جرئت و جسارت نویسنده را در روایت «وسنی»، کم‌نظیر است. این کتاب، روایتگر دوران نوجوانی شخصیتی به نام سعید، همان سعید تشکری در دوران انقلاب است که همه زندگی‌اش در دوچرخه و دور دورهایش خلاصه می‌شود.

او فرزند پدر و مادری است که در تمام طول زندگی‌شان با هم جر و بحث و دعوا دارند و همین امر باعث می‌شود از خانواده‌اش جدا شود و به خانه مادربرگش پناه ببرد. در همان ایام مادر بزرگ تصمیم می‌گیرد در راهپیمایی بزرگ زنان در سال ۵۶شرکت کند که همین ماجرا، آغاز قصه پر رمز و راز سعید می‌شود.

نویسنده «مفتون و فیروزه» درباره تازه‌ترین اثر خود گفته است: من براین باورم تاریخ شفاهی مصاحبه نیست. تاریخ شفاهی گفت‌وگو و نوار و پیاده کردن مصاحبه‌ها نیست. اعتقاد این است هر قصه تاریخ شفاهی یک رمان است. با همین باور تصمیم گرفتم درباره پیشنهاد وسوسه‌انگیز انتشارات ستاره‌ها برای روایت تاریخ شفاهی زندگی خودم به یک سه‌گانه ادبیات برسم که در ۳رمان مستتر است و نخستینش «وسنی» نام دارد.

در بخشی از این رمان آمده‌است: «دست کشید دور تا دور توپ، اما خبری از چسب نبود. خواست رویایی بزند، اما همان ده‌تایی را زد که توی کوچه با توپ پلاستیکی می‌زد. شنید. چسب داره؟ سعید سری تکان داد و گفت: نه.»

انتشار «تمام استاد»، شناخت‌نامه پدر قاتل

خراسان

● جواد اشکدری، نویسنده و روزنامه‌نگار از انتشار کتاب جدیدش با عنوان «تمام استاد» هم‌زمان باهفتم فروردین روز ملی هنرهای نمایشی خبر داده‌است. کتاب «تمام استاد» شناخت‌نامه دکتر محمدعلی لطفی مقدم، پدر تئاتر مشهد و خراسان است که با مقدمه‌ای از استاد علی نصیریان، در ۲۳۲صفحه از سوی انتشارات آراد توس منتشر شده‌ است. نویسنده این کتاب در صفحه مجازی خود درباره این کتاب نوشته‌ است: ««تمام‌استاد» که جلد چهارم مجموعه تاریخ شفاهی «دیروز و امروز تئاتر مشهد» است، دارای ۸ بخش و نیز یادداشت‌هایی از بزرگان تئاتر کشور چون رضا کیانیان، پروفسور احمد کامیابی مسک، هادی مرزبان، دکتر داریوش مودبیان، دکتر داوود فتحعلی‌بیگی، رضا مباری، داوود کیانیان، نصرا... قادری، غلامرضا موسوی، مهدی صباغ‌زاده، سعید تشکری، هوشنگ جاوید، حمیدرضا سهیلی، کمال الدین غراب، علی حاتم‌ی نژاد، علی‌رضا درویش‌نژاد، جواد پیشگر و... است.»

تا کنون از جواد اشکدری کتاب تاریخ شفاهی «دیروز و امروز مشهد»، کتاب‌های «بر بسیط بارش مهتاب» درباره با فریدون صلاحی، «آقای صدای خاطره‌انگیز» مربوط به رضا رزایپور، «سایه همایون» درباره منصور همایونی و «تمام استاد»، شناخت‌نامه محمدعلی لطفی مقدم منتشر شده‌است.

«جور دیگر باید دید» در نگارخانه حامی



نمایشگاه گروهی نقاشی دیواری با عنوان «جور دیگر باید دید» از امروز برای بازدید علاقه‌مندان در نگارخانه حامی دایر است. این نمایشگاه با آثاری از محمد مهدی خانعلی زاده و عاطفه اسکندری در روزهای ۱۴ و ۱۵ فروردین با رعایت شیوه‌نامه‌های بهداشتی، پذیرای علاقه‌مندان از ساعت ۱۷ تا ۲۰ است. نگارخانه حامی در بولوار لندن، لادن ۷، پلاک ۸ واقع شده‌ است.

شهر

روزنامه
شهرامید
وزندگی

شنبه
۱۳ فروردین ۱۴۰۳
۲۰ شهریور ۱۳۳۵

SHAHRARANEWS.IR

۱۵

فرهنگ و هنر